



قرارداد بیع متقابل

حجة الاسلام دکتر محمدرضا عزیز اللهی

چکیده

این مقاله به بررسی یکی از اقسام تجارت متقابل یعنی قرارداد بیع متقابل پرداخته و می‌کوشد مشروعیت و قانونی بودن این قرارداد بین‌المللی را از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران به اثبات برساند.

موضوع معامله در قرارداد بیع متقابل، تجهیزات، دانش فنی و فراهم آوردن تسهیلاتی برای تولید در کشور واردکننده است که طرف‌های معامله در این قرارداد، توافق می‌کنند تا فروشنده متعاقباً محصولات را که به وسیله این تسهیلات تولید شده، خریداری و هزینه‌های خود را مستهلک نماید.

مسائلی مانند غرر و کالی به کالی، شبهه بطلان شرعی چنین قراردادهایی را به ذهن نزدیک می‌نماید. از آنجا که در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بیع متقابل گنجانده شده و طبق قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد، رفع شبهات فقهی این نوع قرارداد تجاری باید مورد توجه فقها و حقوق دانان قرار گیرد که مقاله حاضر تلاشی در این زمینه است.

واژه‌های کلیدی: تجارت متقابل، بیع متقابل، غرر، کالی به کالی.

مقدمه

تجارت متقابل به قراردادهایی اطلاق می‌شود که تعهد صادراتی یا وارداتی یکی از پیش شرط‌های انعقاد معامله باشد. این تحقیق به بررسی یکی از اقسام تجارت متقابل، یعنی قرارداد بیع متقابل^۱ پرداخته و پس از اثبات مشروعیت و قانونی بودن این قرارداد بین‌المللی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران، به بررسی ماهیت فقهی و حقوقی این قرارداد می‌پردازد.

قرارداد بیع متقابل توسط کمیسیون اقتصادی اروپا چنین تعریف شده است:

در این شکل از معامله، موضوع معامله‌ی اولیه، ماشین‌آلات، تجهیزات، حق اختراع، دانش فنی یا کمک‌های فنی است که برای برپایی تسهیلات تولیدی برای خریدار به کار می‌رود. طرف‌های معامله توافق می‌کنند که فروشنده متعاقباً، محصولاتی را که به وسیله‌ی این تسهیلات تولید شده است، از خریدار خریداری نماید
(www.commerso.com/documents/m2pdf).

از سوی دیگر، طبق اصل چهارم قانون اساسی ایران، کلیه‌ی قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد. در ذیل این اصل آمده است: «این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است». با توجه به حکومت این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی قوانین و مقررات، و از آنجا که در آیین‌نامه‌ی معاملات متقابل موضوع بند «ی» تبصره ۲۹ قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، مصوب سال ۱۳۶۸، بیع متقابل گنجانده شده است و، مسائلی مانند غر و کالی به کالی (دین به دین) شبهه‌ی بطلان شرعی چنین قراردادهایی را به ذهن نزدیک می‌کند؛ رفع این شبهات مستلزم تحقیقی جامع است.

هدف این تحقیق علاوه بر زدودن ابهام‌های موجود در این قراردادها و اثبات مشروعیت آنها، اثبات این نکته است که برخلاف برداشت‌های عجولانه و سطحی از اسلام که آن را متناسب با هزار و چهارصد سال پیش و ناتوان در جواب‌گویی به شبهات و مشکلات امروز می‌داند، تفکر عمیق و عالمانه در این شریعت، ما را به این نتیجه می‌رساند که «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه»؛ به طور مثال، در خصوص شبهه‌ی کالی به کالی، با تفکری عمیق در این تحقیق، به این نتیجه رسیده‌ایم که بیع کالی به کالی تنها بر موردی اطلاق می‌گردد که فرد کالایی را نسیه خریداری، و سپس در موقع سررسید، به دلیل عجز مالی، همان دین را در

1. Buyback

۱ با توجه به وجود تفاوت‌هایی میان معنا و مفهوم «بای‌بک» و «بیع متقابل»، در این مقاله از به‌کار بردن «بیع متقابل» به جای «بای‌بک» خودداری شده است.

مقابل دین دیگری با مبلغ و مهلت بیشتری معامله می‌کند. چنین موردی بیع دین به دین و باطل است. در حالی که چنین مشکلی در قرارداد بای‌بک، در صورتی که ماهیتاً بیع باشد، وجود ندارد و از این جهت، مشروع و صحیح است و اگر بای‌بک ماهیتاً بیع نباشد، چنین شبهه‌ای از اساس منتفی است.

آخرین مبحث این پژوهش درباره‌ی ماهیت فقهی و حقوقی قرارداد بای‌بک است. نتیجه‌ی این مبحث این است که در صورتی که اصرار بر توجیه قرارداد بای‌بک با یکی از عقود معین داشته باشیم، این قرارداد با عقد جعله قابل توجیه است و می‌توان آن را یک جعله‌ی بین‌المللی دانست؛ در غیر این صورت، در حقوق داخلی، این قرارداد با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و در بعد بین‌المللی، با نظریه‌ی قراردادهای تجارت بین‌الملل که مبتنی بر پردازش قواعد عمومی و اختصاصی جدیدی برای قراردادهای بین‌المللی یا مبنا قراردادن حقوق سنتی است، قابل توجیه است. بر اساس این نظریه، ظرف حقوق داخلی، ولو به انضمام راه حل تعارض قوانین برای قراردادهای بین‌المللی، کوچک و ناکارآمد است، ولی می‌توان از آن به عنوان زیربنای تدوین قوانین عمومی و اختصاصی قراردادهای بین‌المللی استفاده نمود. در قراردادهای بین‌المللی، هر چند ویژگی‌هایی مانند تزیاید و روبه‌فزونی بودن و تجربی بودن متدها و منابع خاص حقوق بین‌المللی، به ظاهر پردازش و تدوین چنین قواعدی را مشکل می‌سازد، ولی در عوض، خصوصیت‌هایی مانند وحدت شکلی و انعطاف‌پذیری و پویایی عملی قراردادهای بین‌المللی، زمینه‌ی تدوین چنین قواعدی را به طور کامل فراهم آورده است و علی‌رغم احساس تشنگی و بی‌نظمی در این قراردادها، دلایلی مانند ناکارآمدی حقوق داخلی در رفع معضلات قراردادهای بین‌المللی، عدم امکان شناخت کافی نسبت به همه‌ی حقوق‌های داخلی و... عزم بین‌المللی را در تدوین قواعد عمومی و اختصاصی قراردادهای بین‌المللی جزم نموده که از آن تحت عنوان نظریه‌ی مستقل قراردادهای تجارت بین‌الملل یاد می‌کنیم.

۱. قراردادهای بای‌بک از دیدگاه آنسیترال و کمیسیون اقتصادی اروپا

آنسیترال، بای‌بک را چنین تعریف کرده است: «معامله‌ای است که یکی از طرفین، تسهیلات تولیدی (ماشین‌آلات، کارخانه‌جات، تکنولوژی) را عرضه می‌کند و طرفین توافق می‌کنند که عرضه‌کننده‌ی این تسهیلات یا فرد دیگری که توسط عرضه‌کننده معرفی می‌شود، محصولات و تولیدات ناشی از این تسهیلات تولیدی را بخرد...» (International Monetary

معاملات بای یک توسط کمیسیون اقتصادی اروپا (ژنو) با دقت بیشتری بدین شرح تعریف شده است: «در این شکل از معامله، موضوع معامله‌ی اولیه، ماشین‌آلات، تجهیزات، حق اختراع، دانش فنی یا کمک‌های فنی است که جهت برپایی تسهیلات تولیدی برای خریدار به کار می‌رود. طرف‌های معامله توافق می‌کنند که فروشنده متعاقباً از خریدار، محصولات را که به وسیله‌ی این تسهیلات تولید شده، خریداری نماید».

(www.commerso.com/documents/m2pdf)

این تعریف نسبت به تعاریف دیگر دقیق‌تر است و جزئیات کامل معامله بای یک را تشریح می‌کند. طبق این تعریف، در معاملات بای یک دو قرارداد وجود دارد: یکی قرارداد فروش اولیه‌ی تجهیزات و تکنولوژی و دیگری قرارداد خرید محصولات.

از تعریف فوق می‌توان چنین استنتاج نمود که معامله‌ی بای یک عبارت است از فروش تجهیزات و تکنولوژی و کارخانه (به صورت کلید در دست) در مقابل تعهد قراردادی مبتنی بر خرید محصولات تولید شده از تجهیزات و تکنولوژی و تعهد خریدار به فروش محصولات تولید شده از تجهیزات و تکنولوژی در ازای بهای آن؛ و این دو قرارداد مستقل از طریق قرارداد سومی به نام پروتکل یا «موافقت‌نامه‌ی تعیین‌کننده‌ی چارچوب» به هم ارتباط پیدا می‌کنند.

از تحلیل فوق چنین برمی‌آید که اطلاق بیع متقابل و خرید متقابل بر معاملات بای یک، اطلاق اعم بر اخص است و دامنه‌ی بیع متقابل به قدری وسیع است که معاملات موسوم به "Counterpurchase" را نیز در بر می‌گیرد، در حالی که معاملات بای یک شکلی از تجارت متقابل است که در آن خرید کارخانه، ماشین‌آلات، تجهیزات تولیدی یا تکنولوژی در ازای تحویل محصولات مستقیم یا غیرمستقیم این تسهیلات صورت می‌گیرد؛ به عبارت واضح‌تر، نوعی معامله در قالب تجارت متقابل است که معمولاً به فروش تجهیزات و تکنولوژی می‌انجامد و در بردارنده‌ی تعهد از جانب صادرکننده به خرید محصولات کارخانه عرضه شده و تأسیس شده است. در عمل کشور توسعه‌یافته معمولاً، تجهیزات و کارخانه را کلید در دست عرضه می‌کند و محصول پروژه به عنوان ثمن معامله قرار می‌گیرد (طارم سری، ۱۳۷۰، ص ۷۱۴).

۲. اوصاف قرارداد بای یک و مقایسه‌ی آن با دیگر عقود

۲-۱. عقد بودن قرارداد بای یک

اعمال حقوقی به دو گروه ممتاز «عقود» و «ایقاعات» تقسیم می‌شوند:

۱-۱-۲. عقد یا قرارداد: عملی حقوقی است که با توافق صورت می‌گیرد. در عقد، نماینده‌ی دو نفع متضاد روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و راه مشترکی را برای دستیابی به هدف خاص خود جست‌وجو می‌کنند. توافق بر سر همین راه مشترک است که با دو انشای منوط به هم بروز می‌کند و اثر معهود و دل‌خواه را به بار می‌آورد. برای تحقق عقد، افزون بر وجود دو اراده، وجود دو شرط ضروری است:

شرط اول: برخورد اراده‌ها، باید چهره‌ی انشایی داشته باشد، یعنی اثری را به وجود آورد. اگر یکی از دو طرف به ایجاد حقی در گذشته اقرار و دیگری هم‌گفته‌ی او را تصدیق کند، این توافق، عقد نامیده نمی‌شود؛ زیرا، آنچه تحقق یافته، اشتراک نظر در «اخبار به حق» است، نه در انشای آن. ماده‌ی ۱۹۱ قانون مدنی که اعلام می‌کند: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا...» اشاره به همین نکته دارد. پس باید گفت: عقد، توافق دو انشا است.

شرط دوم: اثر دل‌خواه باید ناشی از توافق دو انشا و محصول مشترک دو اراده باشد؛ پس، اگر یک اراده بتواند حقی را به استقلال ایجاد کند، عمل حقوقی را نباید عقد شمرد، هر چند که اراده‌ی دیگر بتواند آن را از بین ببرد. به بیان دیگر، توافق دو انشا باید سبب ایجاد اثر حقوقی باشد، نه شرط بقای آن؛ به طور مثال، در وصیت عهدی، هر چند اعطای نیابت تنها به اراده‌ی موصی انجام می‌پذیرد، اما ردّ وصی در زمان حیات موصی موجب انحلال آن می‌گردد. در نتیجه آن را در شمار قراردادها نمی‌آورد.

۲-۱-۲. ایقاع: عملی است که با یک انشا واقع می‌شود و اثر دل‌خواه را ایجاد می‌کند، بدون این‌که نیاز به توافق باشد؛ چنان‌که ابراء به اراده‌ی طلب‌کار واقع شود و طلاق به اراده‌ی شوهر. در ایقاع نیز قصد انشا ضرورت دارد، منتهی با این شرط که منوط به انشایی دیگر نیست و خود مستقلاً کارگزار و نافذ است (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸).

شکی نیست که بای‌بک از جمله‌ی عقود و قراردادهاست. چنان‌که بیان شد، قرارداد بای‌بک دو معامله‌ی مرتبط با یکدیگر است که موضوع معامله‌ی اولیه ماشین‌آلات، تجهیزات، حق اختراع، دانش فنی یا کمک‌های فنی (تجهیزات/تکنولوژی) است که برای برپایی تسهیلات تولیدی برای خریدار به کار می‌رود. طرف‌ها موافقت می‌کنند که فروشنده، محصولات را که سه‌وسایله‌ی این تسهیلات تولید شده خریداری نماید.

(www.commerso.com/documents/m2.pdf)

با توجه به تعریف عقد که عبارت است از «توافق دو انشای متقابل که به منظور ایجاد اثر حقوقی صورت می‌گیرد»، شکی نیست که بای‌بک با عقد و قراردادها منطبق است و در

ماهیت قراردادی آن هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نیست، اما این‌که این قرارداد در کدامین دسته از قراردادها می‌گنجد موضوع بحث‌های بعدی است.

۲-۲. عقد لازم بودن بای‌بک

عقد بر دوم قسم لازم و جایز تقسیم می‌گردد:

الف) عقد لازم: عقدی است که هیچ‌یک از دو طرف معامله حق فسخ آن را نداشته باشد، مگر در موارد معین (ماده‌ی ۱۸۵ قانون مدنی). اثر مطلوب در هر عقد ایجاد التزام است، پس در صورتی می‌توان برای عقد اثر حقوقی مهمی قایل شد که دو طرف به تعهدهای خود پای‌بند باشند و به میل خود نتوانند از اجرای آن سرباز زنند. هر چند در حقوق ما عقد جایز پیش‌بینی شده است، ولی امکان برهم زدن عقد، برخلاف اصل و امری استثنایی است. به موجب قاعده‌ی مندرج در ماده‌ی ۲۱۹ قانون مدنی، که در زبان حقوقی ما به اصالة اللزوم مشهور شده است، همه‌ی قراردادها، جز آنچه به جواز آن تصریح کرده باشد، لازم هستند. مطابق ماده ۲۱۹ «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است، مگر این‌که به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود».

پس عقد لازم را در دو صورت می‌توان منحل کرد:

اول، در مواردی که قانون، به موجب یکی از اختیارات، حق فسخ عقد را به یک یا هر دو طرف آن تفویض کرده باشد؛ و دیگری در تمامی مواردی که دو طرف، به منظور انحلال عقد، با یکدیگر تراضی کنند. این تراضی در اصطلاح حقوق مدنی، اقاله نامیده می‌شود. در صورتی که نفوذ اقاله در انحلال قرارداد به حقوق دیگران یا منافع عمومی صدمه برساند، اقاله نافذ نیست؛ چنان‌که عقد وقف یا نکاح را نمی‌توان به اقاله منحل کرد، چون جامعه در بقای نهاد وقف و خانواده نفع دارد. بر اساس همین استدلال، ضامن و طلبکار نیز نمی‌توانند با اقاله‌ی عقد ضمان، دین را به عهده‌ی بدهکار بازگردانند.

ب) عقد جایز: ماده‌ی ۱۸۶ قانون مدنی در تعریف عقد جایز می‌گوید: «عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند، هر وقتی بخواهد، آن را فسخ کند». برای برهم زدن عقد جایز، هیچ سبب خاصی لازم نیست و طرفهای قرارداد حق دارند، همیشه و بدون هیچ تشریفاتی، آن را منحل سازند؛ از طرفی دیگر، در اثر فوت و جنون و سفیه‌ی یکی از دو طرف، عقد جایز خودبه‌خود نیز منحل می‌شود (ماده‌ی ۹۵۴ قانون مدنی)؛ ولی عقد لازم، هیچ خللی نمی‌یابد و قانون، نماینده‌ی قانونی محجور و متوفی را ملزم به آثار عقد می‌سازد. در

خصوص قرارداد بای‌بک، با توجه به اصالة‌اللزوم مستفاد از ماهیت آن قرارداد، شبهه‌ای در لازم بودن آن نیست. ماده‌ی ۲۱۹ قانون مدنی نیز به مطلب فوق اشاره دارد. این ماده مقرر می‌دارد که «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است، مگر این‌که به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود»؛ بنابراین، همه‌ی عقود لازم هستند، مگر آن‌که قانون خلاف آن را تصریح نماید. هدف طرفین از ورود به قرارداد، مخصوصاً در قراردادهای بین‌المللی، مانند بای‌بک، به گونه‌ای است که با جواز آن منافات دارد. جواز این‌گونه قراردادهای مخالف با عقلایی بودن آنهاست و در نتیجه، این قرارداد تابع اصل اولی قراردادی مستفاد از ماده‌ی ۲۱۹ قانون مدنی، و لازم است.

۲-۳. عقد منجز بودن قرارداد بای‌بک

مطابق ماده‌ی ۱۸۹ قانون مدنی، «عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف به امر دیگری نباشد و الاً معلق خواهد بود». پس در عقد معلق، طرفین در عین حال که اراده‌ی خود را به طور منجز بیان می‌دارند، اثر آن را موقوف به امر دیگری می‌کنند، تا پس از وقوع شرط، تحقق پیدا کند؛ برای مثال، اگر مردی به زنی بگوید، خانه‌ام را به تو فروختم به شرط آن‌که با من نکاح کنی، بر فرض که این پیشنهاد مورد قبول زن واقع شود، تملک، زمانی محقق خواهد شد که نکاح نیز بین آن دو واقع گردد؛ بنابراین، اصطلاح عقد معلق، خالی از مسامحه نیست و به اعتبار اثر انشای عقد، معلق خوانده می‌شود. عقد معلق در مرحله‌ی انشا و توافق، با سایر عقود تفاوتی ندارد و وجود تعهد است که در این‌گونه قراردادهای منوط به امر خارجی می‌شود. برعکس، در عقد منجز، التزام دو طرف موقوف به هیچ امر دیگری نیست و با توافق آنها به وجود می‌آید. تعلیق واقعی نیز در صورتی است که اثر انشا منوط به وقوع حادثه خارجی و احتمالی شود؛ پس، اگر تعلیق به شرایط درستی عقد شود (مانند وجود دین در عقد ضمان)، نوعی تأکید بی‌فایده است (ماده‌ی ۷۰ قانون مدنی)؛ هم‌چنین، اگر تحقق شرط در آینده به یقین معلوم باشد (مانند طلوع آفتاب یا فرارسیدن نوروز) باید عقد را موجدل شمرد، نه معلق.

عقد در بای‌بک، متوقف بر خرید محصولات توسط فروشنده‌ی تجهیزات نیست، بلکه چنان‌که مفصلاً گفته شد، بای‌بک مشتمل بر سه قرارداد است. اول قرارداد فروش تکنولوژی/تجهیزات است و این قرارداد منجز، اما مشروط بر پرداخت ثمن از محصولات است. در این‌جا ذکر این نکته لازم است که بین عقد معلق و مشروط تفاوت وجود دارد. در عقد معلق، انشا متوقف بر امر دیگری است، ولی در عقد مشروط، انشا منجز است، لیکن

شرایطی ضمن عقد بیان می‌گردد که خارج از ماهیت عقد است. انشا را فقها و حقوقدانان، مختلف تعریف کرده‌اند. شیخ مرتضی انصاری می‌گوید: انشا لفظی است که موجد معنی در نفس الامر است و از تحقق معنی و ثبوت آن در ذهن یا در خارج حکایت نمی‌کند تا قابل اتصاف به صدق و کذب باشد (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۷۹). اگر کسی بگوید که این خانه را به من به فروش. این جمله‌ی انشایی موجد معنای طلب فروش خانه است، ولی اگر بگوید پول ندارم، احتمال می‌رود که خبر مزبور راست یا دروغ باشد (امامی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴). هر چند در قرارداد بای‌بک پرداخت عوض از محصولات معوض شرط قرارداد است، ولی این مسئله عقد را معلق نمی‌کند بلکه عقد منجز است و بهترین دلیل بر این مسئله، تفکیک سه قرارداد فروش و خرید و پروتکل در بای‌بک است (www.cdbl.org/en/BBT_1.htm)

۴-۲. عقد معوض بودن قرارداد بای‌بک

عقودی که بر حسب طبیعت خود دارای دو موردند و هر یک از دو طرف، در برابر مالی که می‌دهد یا دینی که به عهده می‌گیرد، مال یا تعهد دیگری را برای خود تحصیل می‌کند، معوض می‌نامند. در عقد معوض همیشه دو تعهد متقابل وجود دارد و هر یک از دو طرف، هم طلب‌کار دیگری است و هم مدیون او. چنان که در اثر عقد بیع برای خریدار و فروشنده در برابر هم التزام ایجاد می‌شود؛ فروشنده ملتزم به تسلیم بیع و در ضمن، طلب‌کار ثمن می‌گردد، و خریدار نیز در قبال تعهدی که نسبت به پرداخت ثمن پیدا می‌کند، مبیع را به دست می‌آورد. تفاوت ارزش دو عوض مانع از معوض شناختن عقد نیست، مگر این‌که عوض چنان ناچیز و کم‌بها باشد که عرف آن را هیچ انگارد و شائبه‌ی حيله برای وانمود ساختن وجود عوض برود (بروجردی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۶).

برعکس، در عقد مجانی، یک یا چند شخص در مقابل یک یا چند تن دیگر تعهد بر امری می‌کنند یا مالی را به رایگان می‌دهند، بدون این‌که برای آنان التزام ایجاد شود؛ برای مثال، در عقد هبه، واهب، مالی را به متهد می‌بخشد و در مقابل برای متهد هیچ تعهدی به وجود نمی‌آید، یا در عاریه، اذن در انتفاع به رایگان داده می‌شود. پس، در عقود مجانی، التزام، تنها از یک سو است و نقش متعهد تنها قبول دین یا ملکیت است. تشخیص عقود معوض و مجانی دارای فواید و آثار زیادی به شرح زیر است:

در عقود معوض، چون مقصود هر طرف از قبول تعهد، به دست آوردن عوضی است که طرف دیگر آن را به عهده می‌گیرد، بین دو تعهد رابطه‌ای ایجاد می‌شود که به موجب آن وجود هر یک وابسته به دیگری است. وجود این رابطه‌ی معاوضی آثار زیادی در وضع

حقوقی دو طرف دارد، که در عقود رایگان از بحث درباره‌ی آن فارغ هستیم؛ برای مثال، هر گاه در عقد معوضی در صورت خودداری یکی از دو طرف از انجام تعهد، طرف دیگر حق دارد مقابله به مثل کند و وفای به عهد خود را موکول به اجرای تعهد او سازد؛ این اختیار را در اصطلاح «حق حبس» می‌نامند (ماده‌ی ۳۷۷ قانون مدنی)؛ حال آنکه در عقد رایگان، اگر جایز هم نباشد، تنها راه مبارزه با عهدشکنی تقاضای اجبار متعهد از دادگاه است.

بی‌تردید قرارداد بای‌بک عقدی معوض است. در این قرارداد باید ماده‌ای برای تعیین ارزش تعهد بای‌بک، یعنی ارزش خرید محصولات به وسیله‌ی خریدار، گنجانده شود. این مبلغ می‌تواند مساوی، کم‌تر و یا بیشتر از قیمت تجهیزات یا تکنولوژی فروخته شده تحت قرارداد اولیه باشد. ارزش تعهد بای‌بک می‌تواند برحسب مقدار مشخصی پول، یا برحسب درصدی از کل قیمت تجهیزات یا تکنولوژی فروخته شده تحت قرارداد اولیه مورد توافق قرار گیرد. اگر قیمت تجهیزات یا تکنولوژی بدون ابهام ذکر شده باشد ارزش تعهد بای‌بک را می‌توان برحسب درصدی از این قیمت تعیین کرد. ممکن است همیشه این امر امکان‌پذیر نباشد؛ برای نمونه، ممکن است ارزش کمک فنی جزو ارزش قرارداد اولیه منظور نشود، بلکه این قیمت بر مبنای مدت زمان در سیاهه‌های جداگانه منعکس گردد. در این مورد، ارزش تعهد بای‌بک باید به نحوی تعیین گردد که به حساب آوردن قیمت نهایی کمک فنی را امکان‌پذیر سازد (فرانسیس، ۱۹۸۷، ص ۳۲). از مجموع بحث فوق چنین نتیجه می‌گیریم که قرارداد بای‌بک عقدی معوض است، مشروط بر این‌که عوض، از محصولات حاصل از معوض پرداخت می‌گردد.

۳. مقایسه‌ی قرارداد بای‌بک با دیگر عقود

۳-۱. تفاوت‌های عقد بیع با قرارداد بای‌بک

هر چند قرارداد بای‌بک از بین عقود معین، بیشترین وجه تشابه را با بیع دارد و حتی معادل فارسی این قرارداد را «بیع متقابل» قرار داده‌اند، ولی بین این دو قرارداد تفاوت‌هایی به شرح زیر وجود دارد:

۱. طبق ماده‌ی ۳۳۸ قانون مدنی «بیع، تملیک عین به عوض معلوم» است. با آوردن کلمه‌ی «عین» قانون‌گذار مفهوم بیع را از عقود بیع که در آنجا معوض، چیزی غیر از عین باشد جدا ساخته است. در قرارداد بای‌بک در کنار کلمه‌ی تجهیزات، لفظ تکنولوژی به چشم می‌خورد. مراد از تکنولوژی مفهومی بسیار پیچیده، شامل دانش فنی، تربیت نیروی انسانی، حق اختراع، فروش دیسک‌های کامپیوتری و... است که همگی این موارد، قرارداد بای‌بک

را از بیع معمولی متمایز می‌سازد.

در قسمتی از متن این قرارداد، طبق نمونه‌ی قراردادی که کمیسیون اقتصادی اروپا منتشر نموده آمده است: طبق قرارداد اولیه مورخ ۱۲/۱۰/۱۹۹۵ (از این به بعد قرارداد اولیه نامیده می‌شود) و قرارداد ارائه‌ی کمک فنی مورخ ۵/۸/۱۹۹۴ (از این به بعد قرارداد ارائه‌ی کمک فنی نامیده می‌شود) فروشنده، طبق شرایط و ضوابط مقرر در این دو قرارداد مابین آلات و تجهیزات و حق اختراع و دانش فنی و کمک فنی مشخص شده در آن را برای ساخت محصولات در کشور خریدار به خریدار می‌فروشد.

۲. در عقد بیع هر چیزی می‌تواند عوض واقع شود؛ هر چند امروزه در حقوق بسیاری از کشورها بیع اختصاص به مبادله‌ی کالا با پول دارد و این مسئله امتیاز بین معاوضه و بیع است، ولی ماده‌ی ۳۳۸ قانون مدنی به تقلید از نظر مشهور فقها، «بیع را تملیک عین به عوض معلوم» می‌داند. این نکته دومین وجه امتیاز بین عقد بیع و قرارداد بای‌بک است؛ چون در قرارداد بای‌بک، عوض، از محصولات حاصل از معوض با شرایط و ویژگی‌های بسیار مشخص پرداخت می‌گردد. در قرارداد بای‌بک در این خصوص چنین آمده است: بدین وسیله فروشنده موافقت می‌نماید طبق شرایط و ضوابط مقرر در این قرارداد محصولات را که خریدار با استفاده از تجهیزات یا تکنولوژی خریداری شده از فروشنده ساخته است، از وی خریداری نماید. بدین وسیله خریدار موافقت می‌نماید طبق شرایط و ضوابط مقرر در این قرارداد، این محصولات را به فروشنده (یا واگذار شونده‌ی وی) بفروشد و خرید فروشنده از این محصولات را در چارچوب این قرارداد به عنوان بای‌بک بپذیرد.

۳. عقد بیع، چنان که گذشت، عقدی تملیکی است؛ حتی در مواردی که مبیع کلی فی‌الذمه باشد. فقها با این توجیه که متعاقدين کلی را به دلیل وجود مصداق‌های آن مورد تملیک قرار داده‌اند، سعی در توجیه تملیکی بودن عقد بیع نموده‌اند. عده‌ای دیگر در توجیه تملیکی بودن عقد بیع در کلی فی‌الذمه، به توجیه ایجاد اقتضای تملیک متوسل شده‌اند. به این معنا که در کلی فی‌الذمه تملیک بالقوه و با تعیین آینده‌ی فروشنده صورت می‌پذیرد، در حالی که بای‌بک، عقدی عهدی است.

عهدی بودن قرارداد بای‌بک به وضوح از نمونه‌ی قرارداد کمیسیون اقتصادی اروپا به دست می‌آید. مطابق ماده‌ی یک تعهد بای‌بک، «طرف الف» توافق می‌نماید طبق شرایط و ضوابط مقرر در این قرارداد، محصولات را که «طرف ب» با استفاده از تجهیزات / تکنولوژی خریداری شده از «الف» ساخته است، از وی خریداری نماید.

تمامی عبارات فوق حکایت از تعهدات متقابل در قرارداد بای‌بک دارد که منطبق بر عقد عهدی است.

۲-۳. مقایسه‌ی قرارداد بای‌بک با عقد شرکت

عده‌ای از فقها شرکت را «اجتماع حقوق چند مالک در یک شیء به صورت مشاع» تعریف کرده‌اند (محقق حلی، ۱۳۶۳، کتاب شرکت؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۸، شهید ثانی، ج ۱، ص ۲۷۴، نجفی، ۱۳۹۰، ج ۲۶، ص ۲۸۴). علامه حلی در تذکره شرکت را به «استحقاق دو شخص یا بیشتر نسبت به چیزی به نحو اشاعه» تعریف نموده است. قانون مدنی نیز در ماده‌ی ۵۷۱ به تبعیت از فقه، شرکت را به «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه» تعریف نموده است.

۱-۲-۳. تفاوت‌های قرارداد بای‌بک با عقد شرکت

۱. اساسی‌ترین تفاوت این دو عقد، تفاوت در ماهیت است. عقد شرکت یک مبادله‌ی اختلاطی و مرکب است که سبب اشاعه در ملکیت و اعطای نیابت در تصرف می‌شود، در حالی که در قرارداد بای‌بک، اشاعه در مالکیت بی‌معناست و خریدار تجهیزات و تکنولوژی، مالکِ طلق آن می‌گردد.

۲. دومین تفاوت بین عقد شرکت و قرارداد بای‌بک، که در حقیقت ناشی از تملیکی بودن عقد اول و عهدی بودن عقد دوم است، این است که در عقد شرکت مدنی که تنها شرکت مجاز در فقه امامیه است، شرکا در مال موجود، مالکیت مشاعی پیدا می‌کنند (شرکت، عقدی تملیکی است)، در حالی که در قرارداد بای‌بک، دو طرف قرارداد، متعهد به واگذاری تجهیزات و تکنولوژی از طرف فروشنده و پرداخت عوض از محصولات حاصله توسط خریدار می‌شوند (بای‌بک عهدی است).

۳. از آن‌جا که شرکت، در واقع اذن در تصرف شرکا در سهم‌الشرکه مشاعی شریک است، چنین اذنی قابل رجوع و در نتیجه، شرکت، عهدی جایز است؛ اما بر مبنای اصالة‌اللزوم حاکم بر عقود و قراردادها، مخصوصاً در قراردادهای بین‌المللی، قرارداد بای‌بک عهدی لازم است و حتی - چنان که در ماده‌ی ۱۴ قرارداد نمونه‌ی بای‌بک منتشر از طرف کمیسیون اقتصادی اروپا منعکس است - تخلف از قرارداد، متضمن جبران خسارت طرف مقابل به میزان درصدی از قیمت محصولات حاصله است.

۳-۳. مقایسه‌ی قرارداد بای‌بک با عقد مضاربه

وفق ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی، مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد، با این قید که طرف دیگر با آن تجارت کند و در سود آن شریک باشند. عامل را مضارب و صاحب سرمایه را مالک می‌نامند. دو ویژگی مهم عقد مضاربه را از شرکت متمایز می‌سازد: اول این‌که در مضاربه تمامی داد و ستدها به نام عامل و به وسیله‌ی او انجام می‌شود و سرمایه‌گذار مستقیماً هیچ‌گونه دخالتی ندارد؛ و دیگر این‌که مالک در سود و زیان معاملات که مضارب مستقیماً انجام می‌دهد شریک است.

۱-۳-۳. تفاوت‌های قرارداد بای‌بک با عقد مضاربه

۱. ماهیت حقوقی این دو قرارداد با یکدیگر تفاوت اساسی دارد. در قرارداد مضاربه، عامل، به وکالت از مالک داد و ستد می‌کند، امین اوست و ملتزم می‌شود که در حفظ مادی سرمایه و جلوگیری از تلف آن بکوشد (عاملی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۴۴۷). در حالی که در قرارداد بای‌بک تجهیزات و تکنولوژی به مالکیت خریدار در می‌آید و ید خریدار، ید مالکانه است.

۲. مضاربه، چنان‌که توضیح دادیم، عقدی جایز است؛ حتی جواز این عقد، بنا بر نظر بسیاری از فقها، در زمره‌ی صفات ذاتی آن عقد، و توافق بر خلاف آن، موجب بطلان عقد است. بسیاری از فقها جواز عقد مضاربه را مقتضای ذات آن شمرده‌اند (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۴۵۹). عده‌ای از نویسندگان حقوق مدنی نیز به استناد مواد ۵۵۲ و ۵۵۳ قانون مدنی، از این نظر تبعیت نموده‌اند (بروجردی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۵).

با صرف نظر از این‌که آیا جواز، از صفات ذاتی عقد مضاربه است یا خیر، به دلیل اجماعی بودن جواز این عقد، دومین تفاوت این عقد با قرارداد بای‌بک، که عقدی لازم است، مشخص می‌گردد.

۴-۳. مقایسه‌ی قرارداد بای‌بک با عقد جعاله

بر خلاف عقد اجاره که در آن، طرفین عقد، خدمات ارائه شده و اجرت، معلوم و معین است؛ در جعاله، نه تنها مشخص بودن عمل و اجرت ضرورتی ندارد، بلکه نیازی به مشخص بودن طرفین عقد نیست و در نتیجه، در جعاله خطاب به عموم نیز صحیح است. قانون مدنی، جعاله را به شرح زیر تعریف می‌نماید:

ماده‌ی ۵۶۱: جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی،

اعم از این‌که طرف معین باشد یا غیر معین.
ماده‌ی ۵۶۲: در جعاله، ملتزم را جاعل، طرف را عامل و اجرت را جعل می‌گویند.

۳-۴-۱. اوصاف عقد جعاله

۱. **قبول ابهامات در عقد جعاله:** از آن‌جا که موارد فراوانی یافت می‌شود که مردم به انعقاد عقدی نیاز دارند که انعقاد آنها با حدود و ثغور مشخص عقود سازگاری ندارد، شارع عقدی را تأیید نموده که علی‌رغم ابهام در متعاقدین و میزان خدمت و اجرت آن، نفوذ قانونی داشته باشد؛ به عنوان مثال، اشخاصی و وسایل گران‌قیمت خود را گم می‌کنند و تحت عنوان مزدگانی اعلامیه‌هایی تهیه و در معرض دید عموم قرار می‌دهند. در این موارد نه شخص مال‌باخته مشخص است (چون اعلامیه عمومی است) و نه طرف مقابل؛ این‌که یافتن مال گم‌شده به چه مقدار کار نیاز دارد نیز نامشخص است و بالاخره عبارت «مزدگانی خوب» حاکی از این است که اجرت عمل نیز مبهم است؛ ولی علی‌رغم تراکم ابهامات، قانون‌گذار این عقد را پذیرفته و آثار حقوقی بر آن بار نموده است (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۴۵۹ و شهید ثانی، ج ۲، کتاب جعاله).

۲. **جواز عقد جعاله:** عقد جعاله بدون نیاز به دلیل خاص از طرف جاعل و عامل قابل بر هم زدن است، ولی این بدان معنا نیست که اگر جاعل پس از انجام مقداری از عمل که عرفاً مستحق اجرت است، اقدام به فسخ نمود، عامل مستحق هیچ‌گونه اجرتی نباشد؛ بلکه مستفاد از ماده ۵۶۵ و ۵۶۶ قانون مدنی این است که، اگر عمل دارای اجزای متعدد باشد و هر یک مقصود بالاصاله‌ی جاعل بوده باشد و جعاله فسخ گردد، عامل از اجرت المسمی، به نسبت عملی که انجام داده است، و در غیر این صورت، مستحق اجرة‌المثل خواهد بود. البته التزام جاعل در برابر تحقق نتیجه مورد نظر است، نه کوشش در این راه و انجام مقدمات آن. این نتیجه را عامل باید تسلیم کند تا مستحق اجرت شود؛ بنابراین، عقد تازمان تحویل نتیجه‌ی کار تمام نیست و تا این لحظه جاعل می‌تواند آن را برهم بزند.

۳. **قابلیت تعمیم وسیع در عقد جعاله:** برخلاف عقود دیگر که از حیث متعاقدین و موضوع، حدود و ثغور مشخصی دارند، جعاله از قابلیت مانور فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ مثلاً عقد بیع، تملیک عین در مقابل عوض معلوم است و اگر به جای عین، منافع قرار گیرد قواعد عقد اجاره حکم فرماست؛ یا عقودی مانند مزارعه و مساقات تعاریفی خاص و موضوعاتی مشخص دارند، در حالی که، چنان‌که از ماده‌ی ۵۶۱ و ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مدنی نیز به دست می‌آید، عقود بسیاری را می‌توان در قالب عقد جعاله گنجانند. از کلمه‌ی «عمل»،

مذکور در ماده‌ی ۵۶۱ قانون مدنی، به خوبی استفاده می‌شود که مورد عقد جماعه صرفاً امور خدماتی نیست بلکه می‌توان واگذاری اعیان یا موضوعات دیگر را موضوع عقد جماعه قرار داد. به همین دلیل است که بانک‌ها در بانکداری بدون ربا از این عقد بسیار بهره می‌گیرند و در بسیاری از موارد تسهیلات خود را در قالب این عقد اعطا می‌نمایند.

۳-۴-۲. قابلیت توجیه قرارداد بای‌بک با عقد جماعه

اگر اصرار بر توجیه قرارداد بای‌بک با یکی از عقود معین داشته باشیم، با اوصافی که در خصوص عقد جماعه بیان نمودیم، قرارداد بای‌بک را به خوبی می‌توان با عقد جماعه توجیه کرد. وجود اوصافی مانند قابلیت تعمیم در عقد جماعه کمک شایانی به این توجیه می‌کند؛ مثلاً طبق تعریف آنسیترال از بای‌بک، عرضه‌ی تجهیزات و تکنولوژی از یک طرف، مشروط به باز پرداخت ثمن از طریق محصولات، اساس قرارداد بای‌بک را تشکیل می‌دهد، که در قالب عقد جماعه می‌گنجد. تنها تفاوت، جواز عقد جماعه است که آن هم، به صورت مطلق جایز نیست، بلکه عامل به اندازه‌ی عمل خود مستحق اجرت است و به علاوه می‌توان با شروط ضمن عقد، شرط خسارت در صورت انجام ندادن تعهدات را نمود، که در ماده‌ی ۱۴ نمونه‌ی قرارداد بای‌بک، چنین امری پیش‌بینی شده است.

نتیجه این‌که، عقد جماعه با ویژگی‌هایی مانند قبول ابهامات و قابلیت تعمیم، عقدی است که به خوبی می‌توان قرارداد بای‌بک را بر اساس آن توجیه شرعی و قانونی کرد.

۳-۵. مقایسه‌ی قرارداد بای‌بک با عقد صلح

عقد صلح به ابوالعقود مشهور است؛ چون بدون این‌که نیاز به شرایط پیچیده و ثابت عقود داشته باشد، نتیجه‌ی آنها را دارد. حدیث نبوی «الصلح جایز بین المسلمین الاصلحاً احل حراماً او حرّم حلالاً» (حر عاملی، کتاب صلح، باب سوم) دال بر این موضوع است. هر چند برخی از فقهای امامیه در تعریف خود از عقد صلح، آن را برای رفع خصومت تعریف نموده‌اند، ولی در فقه امامیه، بر خلاف نظر شافعیه، عقد صلح صرفاً برای رفع تنازع نیست و برای تحقق صلح از دیدگاه امامیه لزومی به وجود اختلاف نیست، بلکه برآسه می‌تواند وسیله‌ی انجام معامله واقع شود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۲۶۷، شرح لمعه، ج ۴، ص ۱۷۳، محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱، ص ۳۲۹، الشیخ محمد حسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۲۱۱). ماده ۷۵۲ قانون مدنی نیز، به تبع از نظر مشهور امامیه، صلح را در معنای اعم آن این‌گونه تعریف نموده است: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا

جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود». برای ارائه‌ی تعریفی از صلح که بتواند معنای اعم صلح را دربرگیرد، بهتر است صلح به «تسالم» تعریف شود. این تعریف می‌تواند مفید معنای صلح، در مقام رفع تنازع و هم‌چنین وسیله‌ی انجام معاملاتی مانند بیع و اجاره باشد (شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، تک‌جلدی، ص ۷۹، الشیخ محمدحسن النجفی، همان، ص ۲۱۱).

۳-۵-۱. تفاوت‌های قرارداد بای‌بک و عقد صلح

۱. مهم‌ترین تفاوت بین این دو قرارداد، تفاوت ماهوی و جوهری است. عنصر «تسالم» جزء لاینفک تمامی اقسام عقد صلح است، ولی اساس قرارداد بای‌بک بر تعهد است. شیخ انصاری در کتاب شریف مکاسب در این خصوص می‌نویسد: «معنای اصلی صلح، تسالم است؛ از این رو صلح خودبه‌خود منصرف به مال نمی‌گردد. البته اگر صلح بر عین واقع شود متضمن تملیک است. بهترین دلیل بر اینکه صلح گاهی بر سر مال است در نتیجه مفید تملیک است و گاهی به منافع تعلق دارد در نتیجه مفید عاریه است و گاهی نسبت به حقوق می‌باشد در نتیجه مفید اسقاط یا انتقال حقوق است و گاهی به امضاء و تأیید مسئله‌ای بین دو طرف است مثل اینکه یکی از دو شریک به طرف مقابل می‌گوید: بر سر این مسئله که سود متعلق به تو و ضرر بر من باشد مصالحه کردم. در این صورت صرف تأیید است. اگر صلح در همه این معانی پنج‌گانه حقیقت باشد لازمه‌اش اشتراک لفظی است که بطلان آن روشن است. پس راهی جز این نمی‌ماند که معنای صلح مفهومی دیگر باشد و آن چیزی جز تسالم و توافق نیست» (شیخ انصاری، همان).

بر خلاف عقد صلح که اساس آن بر تسالم است، ماهیت قرارداد بای‌بک، تعهد است. در نمونه‌ی قرارداد بای‌بک که سازمان ملل متحد آن را منتشر کرده آمده است: «طبق قرارداد اولیه‌ی مورخ ۱۰/۵/۱۹۹۰ و قرارداد ارائه‌ی کمک فنی مورخ ۱۰/۵/۱۹۹۰ «طرف الف»، تجهیزات/تکنولوژی را به «طرف ب» فروخته و «طرف ب» (آن را) از «طرف الف» خریداری کرده است».

بنابراین، اولین تفاوت این دو قرارداد در ماهیت آنهاست؛ بدین معنا که صلح مبتنی بر «تسالم» و بای‌بک مبتنی بر «تعهد» است.

۲. هر چند، بی‌تردید، صلح در مقام رفع تنازع، عقدی معوض است و دست‌کم این است که طرفین در برابر یکدیگر از حق اقامه‌ی دعوی گذشت می‌کنند، ولی بنابر تصریح ماده‌ی ۷۵۷ قانون مدنی که صلح بلاعوض را تجویز نموده است، نمی‌توان تمامی اقسام صلح را

معوّض دانست. در مقابل، قرارداد بای‌بک، چنان‌که به دفعات اشاره شده است، عقدی معوض است.

در قرارداد نمونه بای‌بک چنین آمده است: «به عنوان معامله‌ی بای‌بک و تحت شرایط و ضوابط مقرر در این قرارداد، «طرف ب» موافقت می‌نماید محصولات مشخص شده در آن را به «طرف الف» بفروشد و «طرف الف» نیز موافقت می‌نماید آنها را از «طرف ب» بخرد». نتیجه این‌که، بین قرارداد بای‌بک و صلح، تفاوت‌های اساسی وجود دارد و توجیه قرارداد بای‌بک با عقد صلح، با توجه به قصد و منظور طرفین قرارداد بای‌بک، محل تأمل است.

۴. بررسی قرارداد بای‌بک بر اساس ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی

۴-۱. ماهیت فقهی و حقوقی ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی

قبل از تصویب ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی، مشروع دانستن قراردادهای خارج از چارچوب عقود معین، محل اشکال بود. هدف از وضع ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی این بود که در مورد اجمال و سکوت قانون، اراده‌ی متعاملین محترم شمرده شود و از این لحاظ، بین عقود معین و سایر قراردادها هیچ تفاوتی نباشد؛ بنابراین، عقیده‌ی برخی از نویسندگان، که ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی را ناظر بر قراردادهایی می‌دانند که شرایط و آثار آن در قانون معین نشده است و نتیجه گرفته‌اند که در عقود معین، مانند بیع و اجاره و ضمان و صلح، به ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده نمی‌توان استناد کرد، محل تأمل است.

در خصوص اصل آزادی قراردادی، دو نظریه‌ی فردگرایی و جامعه‌گرایی حاکم بوده است. در نظریه‌ی جامعه‌گرایی، اصل آزادی قراردادی به شدت محدود و منحصر به عقود معین است. برعکس، فردگرایان از حاکمیت اراده حمایت کرده و نتیجه گرفته‌اند که اشخاص در داد و ستدهای خود آزادند. طبق این نظریه، آنچه مورد توافق طرفین باشد عادلانه‌ترین راه حل است و حقوق باید از آن حمایت کند. اصل آزادی قراردادی، امروزه وسیله‌ای بسیار مفید و مؤثر در روابط اجتماعی شناخته می‌شود و در موارد تضاد با مصالح مهم‌تر، توسط قانون‌گذار محدود می‌شود؛ بنابراین، اصل آزادی قراردادی را که محصول اصل فلسفی حاکمیت اراده است، می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

«اشخاص آزادند به هر شکل معقولی با هم پیمان ببندند و آثار آن را معین سازند، مگر این‌که مفاد تراضی آنان به دلیل مخالفت با قانون یا نظم عمومی و اخلاق، نامشروع باشد».

(کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۴۴)

ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی، عهده‌دار حقوقی اصل آزادی قراردادی است. این ماده مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نمودند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است».

اصل آزادی قراردادی از دیدگاه فقه نیز مورد تأیید و تصویب است. فقهای متأخر با استفاده از عموم «اوفوا بالعقود» و تمسک به احادیثی مانند «المؤمنون عند شروطهم» در صددند که دامنه‌ی لزوم عقود را از عقود معین به سایر قراردادها سرایت دهند.

از اصل آزادی قراردادی چهار نتیجه‌ی اساسی به شرح زیر گرفته می‌شود:

۱. اشخاص می‌توانند قرارداد را به هر صورت که مایل اند منعقد سازند و نتایج و آثار آن را آزادانه معین کنند، به این شرط که مخالف قانون و نظم عمومی نباشد.

۲. قرارداد تنها به تراضی محقق می‌شود و صورت و تشریفات خاصی ندارد. دو طرف ملزم نیستند که در مقام بستن هر قرارداد، واژه‌های مخصوصی را به کار ببرند و بیان اراده نیاز به تشریفات دیگری، مانند حضور گواهان و تنظیم سند ندارد.

۳. پس از عقد قرارداد، دو طرف پای‌بند و ملزم به رعایت آن هستند. تا زمانی که عقد در نتیجه‌ی توافق دیگری، اقاله یا به علت قانونی فسخ نشده است، طرفین ناگزیرند که تعهدهای ناشی از آن را اجرا کنند. مفاد قرارداد در رابطه دو طرف به منزله‌ی قانون است و اجتماع، متعهد را به رعایت مدلول آن وادار می‌سازد.

۴. هر چند اصل آزادی قراردادی به توافق اراده‌ها در انعقاد قرارداد احترام می‌گذارد، ولی این آزادی، نامحدود و بی‌حد و حصر نیست و تا جایی محترم است که مخالف صریح قانون و یا نظم عمومی نباشند.

۲-۴. توجیه ماهیت حقوقی قرارداد بای‌بک بر اساس ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی

در توجیه ماهیت حقوقی قرارداد بای‌بک، اصل آزادی قراردادی منعکس در ماده ۱۰ قانون مدنی بسیار کارساز است. قرارداد بای‌بک قراردادی بسیار پیچیده است که در قالب عقود معین قابل توجیه نیست؛ مثلاً قرارداد توسعه‌ی میدان نفتی مسجد سلیمان با هدف افزایش تولید نفت خام به میزان ۲۰ هزار بشکه مازاد بر تولید فعلی، به صورت بیع متقابل میان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیومی متشکل از شرکت مهندسی «خدمات نفتگران» با ۵۱ درصد سهم و شرکت «شیر انرژی»^۱ کانادا با ۴۹ درصد سهم، در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۸۱

منعقد گردید.

عملیات اجرایی مندرج در این قرارداد، که دلیل بر پیچیدگی زایدالوصف این قراردادهاست به شرح زیر است:

- بررسی امکان توسعه‌ی بخش‌هایی از میدان که قبلاً توسعه‌ی کامل نیافته است؛
 - تهیه‌ی مدل مخزن با استفاده از آخرین روش‌ها، فنون و نرم‌افزارهای رایانه‌ای؛
 - حفاری ۲ حلقه چاه عمودی و ۸ حلقه چاه افقی با استفاده از تکنیک حفاری زیر تعادلی؛

- تعمیر و تکمیل ۴ تا ۶ حلقه چاه قدیمی موجود؛

- حفاری ۲ حلقه چاه برای تزریق آب؛

- احداث تأسیسات فراورش با ظرفیت ۲۳ هزار بشکه نفت خام و ۳۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز؛

- احداث خطوط لوله‌ی جمع‌آوری نفت خام و گاز در اندازه‌های ۶ و ۳ اینچ (مجموعاً ۴۰ - ۳۰ کیلومتر)؛

- نصب پمپ‌های شناور برقی در چاه‌ها برای بالا بردن میزان تولید (حسن بیگی، ۱۳۸۱).
 مجموع موارد فوق یک قرارداد بای‌بک را تشکیل می‌دهند که به خوبی حاکی از پیچیدگی آن و تشکیل آن از ده‌ها عقد اجاره‌ی اموال و اشخاص و بیع و صلح و... است.
 شرایط پیچیده‌ی موجود در قرارداد بای‌بک و واگذاری مواردی مانند دانش فنی و کمک فنی و حق اختراع، و در یک کلام، «تکنولوژی»، مخصوصاً با توجه به این‌که این موارد عین معین نبوده و قالب عقد بیع را به خود نمی‌گیرد، قرارداد بای‌بک را به عقدی مختلط تبدیل می‌نماید که جز با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی راه توجیه دیگری ندارد. عقود مختلط به دو صورت قابل فرض‌اند.

۱. عقود مختلط تجربه‌ناپذیر: عقود مختلط تجزیه‌ناپذیر، عقود هستند که مجموع چند عمل حقوقی که در عرف استقلال و شخصیت ویژه دارند، با از دست دادن شخصیت مستقل خود، با یک قصد انشا واقع می‌شوند. در این عقود باید آنچه واقع شده را مستقل از اجزای آن شمرد؛ برای مثال، با این‌که عقد حواله حاوی دو عمل حقوقی انتقال دین و طلب است، از آن‌جا که در دید عرف و قانون عنوان و وجود خاص دارد، به طور کامل نمی‌تواند تابع قواعد اجزای خود، یعنی انتقال دین و طلب باشد.

قرارداد اقامت در مهمانسرا و استفاده از تورهای مسافرتی و بستری شدن در بیمارستان نیز از این نمونه است. شخصی که در بیمارستان بستری می‌شود، از غذای بیمارستان

استفاده می‌کند که عقد بیع است؛ متقاضی و همراهش از محل خواب بیمارستان استفاده می‌نمایند که عقد اجاره‌ی اشیا است؛ خدمه‌ی بیمارستان، نظافت اتاق بیمار را بر عهده دارند که قالب اجاره‌ی اشخاص را دارد؛ آزمایش‌های متعددی در بیمارستان از وی به عمل می‌آید که قالب عقد اجاره را دارد؛ دکتر جراح متخصص به همراه یک تیم، شامل دکتر بیهوشی و غیره، اقدام به جراحی او می‌کنند که قالب عقد اجاره‌ی اشخاص را دارد. داروخانه‌ی بیمارستان داروهای مختلف را در اختیار او می‌گذارد که قالب عقد بیع را دارد؛ و هم‌چنین ده‌ها عقد دیگر که در مجموع با از دست دادن شخصیت فردی خود به یک عقد تحت عنوان قرارداد بستری شدن در بیمارستان که حتی در ضمن آن، مواردی مانند براثت پزشک جراح از صدمات وارده نیز گنجانده شده است، تبدیل می‌گردند که جز با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی، هیچ توجیه دیگری ندارد. هر چند برخی از عقود فوق و عوض آن دقیقاً مشخص است و حتی در لیست ریز ذکر می‌شود، ولی قرارداد واحد بستری شدن در بیمارستان که در بدو بستری شدن بیمار به امضای طرفین می‌رسد، قراردادی غیر از این اجزا است.

۲. عقود مختلط تجزیه‌پذیر: صورت دوّم وضعیتی است که چند انشای گوناگون ضمن یک سند بیان می‌شود، ولی مجموعه‌ی حاصل از آنها به نحوی است که اجزا تشکیل‌دهنده، ماهیت شخصی خود را حفظ می‌کنند؛ مثلاً شخصی خانه‌اش را می‌فروشد و به علاوه مدت یک ماه، برای تعمیر خانه به کار بنایی گمارده می‌شود. در این عقد مختلط، عقود تشکیل‌دهنده، ماهیت حقوقی خود را حفظ نموده‌اند.

قرارداد بای‌بک، چنان‌که به یک نمونه‌ی آن اشاره شد، قراردادی بسیار پیچیده است که شامل فروش کالا، خدمات، تکنولوژی، اطلاعات، آموزش نیروهای انسانی، واگذاری دیسک‌های کامپیوتری و... است که عوض در این قرارداد از محصولات پرداخت می‌گردد. در این قرارداد، مسائل مختلفی مانند دوره‌های کار آزمایشی، ضمانت کیفیت، اعطای مجوز استفاده از حق اختراع یا دانش فنی فروشنده در مورد ساخت محصولات، اطلاعات فنی و شیوه‌ی ارائه اطلاعات فنی (مانند تحویل دادن مشخصات، طرح‌ها، نقشه‌ها، دیسک‌های رایانه‌ای و...) از سوی فروشنده به خریدار، همگی بر پیچیدگی این قراردادها افزوده است. هم‌چنین در سه قرارداد فروش (تجهیزات یا تکنولوژی) و خرید و مکمل، مواردی بسیار ریز و اساسی، مانند قیمت محصولات، واگذاری، فروش مجدد محصولات، ارجاع، شرایط تحویل، جدول زمان‌بندی برای اجرا، پرداخت، مسئولیت، براثت از مسئولیت، فسخ قرارداد اولیه یا مکمل و قانون حاکم بر قرارداد، گنجانده شده است که پیچیدگی این قراردادها را دو

چندان می نماید.

مجموع نکات فوق، ما را به این امر رهنمون می سازد که قرارداد بای یک از عقود مختلط تجزیه ناپذیر، و خود اختلاطی از چندین قرارداد بسیار فنی و پیچیده است که جز با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و یا بر اساس نظریه‌ی قراردادهای تجاری بین‌المللی، چنان‌که در مبحث آینده توضیح می دهیم، راه توجیه دیگری ندارد.

۵. بررسی قرارداد بای یک بر اساس نظریه‌ی حقوق مستقل قراردادهای تجارت بین‌الملل

۱-۵. نظریه‌ی حقوق مستقل قراردادهای تجارت بین‌الملل

ابهامات موجود در قراردادهای بین‌المللی، نوعاً با توجیه قوانین داخلی و در نهایت توسل به راه‌حل تعارض قوانین بر طرف می‌گردد، ولی این پیشنهاد که در خصوص قراردادهای بین‌المللی نیز، مانند حقوق داخلی، باید به پردازش و تدوین قواعد عمومی و قواعد اختصاصی قراردادهای بین‌المللی پرداخت، پایه و اساس نظریه‌ی قرارداد حقوق تجارت بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. توجه به چهار دلیل زیر لزوم تدوین چنین قواعد و قوانینی را مسلم می‌سازد.

۱. ناکارآمدی حقوق داخلی و مشکلات عدیده‌ی راه‌حل تعارض قوانین در رفع معضلات قراردادهای بین‌المللی، عدم اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به حقوق ملی کشورها، وجود قواعد آمره‌ی عدول‌ناپذیر در اکثر نظام‌های حقوقی داخلی و عدم امکان شناخت کافی نسبت به همه‌ی حقوق‌های سنتی کشورها؛ به عبارت دیگر، اکتفا نمودن به حقوق داخلی به انضمام راه‌حل تعارض قوانین، در توجیه قراردادهای بین‌المللی منجر به استثنائات یا عدول از قواعد عمومی قراردادهای سنتی در موارد عدیده‌ای می‌گردد و این مسئله ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که گویا ظرف محدود حقوق داخلی، گنجایش قراردادهای بین‌المللی را ندارد و در خصوص آن قراردادها که به نظر تافته‌ی جداافتاده‌ای می‌رسند، با به‌کارگرفتن عزم جهانی و مؤسسات بین‌المللی باید در فکر پردازش قواعد عمومی و اختصاصی جداگانه‌ای بود و در این راستا می‌توان حقوق سنتی را خشت اول چنین بنایی در نظر گرفت.

۲. تعدد و تنوع در قراردادهای بین‌المللی و روند روبه افزایش آنها با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی، که امکان مطالعه‌ی فرد فرد آنها را مشکل و یا حتی غیرممکن می‌سازد.

۳. فقدان سیستم قضایی بین‌المللی اجباری، ناکارآمد بودن ضمانت اجراها،

پرداخت‌های ویژه مانند اعتبارات استادی، و وجود قراردادهای متقابل مانند بیع متقابل.
 ۴. قراردادهای بین‌المللی علی‌رغم اختلافات ظاهری، دارای قدر مشترک‌های فراوانی در مراحل ایجاد و حیات و پایان هستند.
 دلایل ذکر شده، تدوین قواعد عمومی و اختصاصی قراردادهای بین‌المللی را ضروری می‌نماید.

۲-۵. ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی

۲-۵-۱. انبساط فیزیکی و روبه‌تزايد بودن قراردادهای بین‌المللی بر عکس قراردادهای داخلی که تعداد محدود و معینی دارند و تحت عنوان عقود معین از آنها یاد می‌شود، قراردادهای بین‌المللی با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی، روبه‌افزایش هستند. در بسیاری از موارد اختراعات جدید و خدمات نو، مستلزم ایجاد قراردادهایی است که تجارت الکترونیک از این نمونه است.

۲-۵-۲. انقباض شکلی و حقوقی روابط تجاری بین‌المللی

از بند قبل، تورم و تزايد و بی‌نظمی در حقوق قراردادهای بین‌المللی، استفاده می‌شود، ولی با وجود این، این قراردادها، مخصوصاً با توجه به سیاست سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و تجار بین‌المللی، از نوعی وحدت شکلی و حقوقی برخوردارند. اقدامات متعدد و متنوع سازمان‌های بین‌المللی عمومی و خصوصی و مختلط، هم‌چون ^۱ONDU, ^۲CCI, ^۳OMC, ^۴CEP مؤید مطلب فوق است.

۲-۵-۳. منابع خاص حقوق قراردادهای بین‌المللی:

این‌که تفاوت بین قراردادهای داخلی و بین‌المللی را تنها در عنصر برون‌مرزی بودن نوع دوم از قراردادها بدانیم، امری خلاف واقع است. چنین تفسیری موجب تنگ‌نظری نسبت به این قراردادها، و به این نتیجه منتهی می‌شود که می‌توان با قوانین داخلی به انضمام راه‌حل تعارض قوانین، به حل مشکل قراردادهای بین‌المللی پرداخت. حقیقت این است که مقررات حاکم بر قراردادهای بین‌المللی، ناشی از منابع گوناگون است که از حقوق خصوصی و عمومی بالاتفاق سرچشمه می‌گیرد و این مهم‌ترین وجه تمایز این دو نوع قرارداد است.

۲. اتاق بازرگانی بین‌المللی

۱. سازمان ملل متحد برای توسعه و رشد بین‌المللی

۴. بازار مشترک اروپا

۳. سازمان تجارت جهانی

برعکس قراردادهای داخلی که با منابع حقوق خصوصی، توجیه و تفسیر می‌گردند و مهم‌ترین منبع آنها قانون است، برای قراردادهای بین‌المللی منابعی هم‌چون توافق‌نامه‌های دو جانبه، کنوانسیون‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون لاهه و وین را می‌توان نام برد (اسکینی، ۱۳۷۱، ص ۱۶).

۴-۲-۵. پویایی علمی قراردادهای بین‌المللی

گسترده‌گی و روبه‌تزايد بودن قراردادهای بین‌المللی به همراه پیشرفت علم و تکنولوژی در بندهای فوق به آن اشاره گردید، باعث شده است که این قراردادها دنیایی از تحرک، پویایی و نوآوری را ایجاد نمایند که بسیاری از این امور در خود قراردادها منعکس گردیده است و این ویژگی، این قراردادها را مملو از دست‌آوردهای حقوقی و اقتصادی پویا نموده است (بهرامی، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

۵-۲-۵. تجربی بودن متدها در قراردادهای بین‌المللی

قراردادهای بین‌المللی محصول عمل و تجارت عملی جامعه‌ی بازرگانی جهانی است که در طول زمان و بر پایه‌ی اعمال و رفتار تجربی شکل گرفته است. با توجه به این مطلب، تبیین و تعریف روش‌های برخورد با مسائل، بسیار مشکل است و در نتیجه، برعکس قراردادهای مدنی که در آنها تحلیل‌ها شکلی‌اند، در قراردادهای تجاری بین‌المللی تحلیل‌ها عمدتاً ماهیتی است و برعکس قراردادهای سنتی که تمسک به متن قرارداد و روش استدلال و برهان حقوقی اساس عمل قرار می‌گیرد، در قراردادهای بین‌المللی، تجزیه و تحلیل ماهیت قرارداد و ارتباط آن با واقعیات موجود، ملاک تشخیص واقع می‌شود.

۶-۲-۵. انعطاف‌پذیری در قراردادهای بین‌المللی

برعکس قراردادهای داخلی که تابع شرایط ویژه و بسیار خشک‌اند، قراردادهای بین‌المللی از تحرک و پویایی بالایی در مراحل پیش‌قراردادی و انعقاد و حتی در مراحل پایانی قرارداد برخوردارند؛ به طور مثال، برخلاف قراردادهای سنتی که تشکیل آن لحظه‌ای است و علی‌القاعده پس از ایجاب و قبول پا به مرحله‌ی هستی می‌گذارد، قراردادهای بین‌المللی، تدریجی‌الوصول و پروسه‌ای‌اند. در مرحله‌ی انعقاد قرارداد نیز، امکان تکمیل، تغییر، اصلاح، تعدیل و... حاکی از آن است که گویی مراحل مختلف قرارداد در عمل درهم تداخل دارند. اتمام قراردادهای بین‌المللی نیز لحظه‌ای نیست و حیات قرارداد، به وسیله‌ی تعهدات

جانبی، مانند ضمانت‌ها، ضمانت‌نامه‌ها، خدمات پس از فروش و مسائل مربوط به حسن انجام تعهدات ممکن است ادامه یابند.

۳-۵. نتیجه

بررسی ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی مانند بای‌بک، ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که علی‌رغم احساس تشنگی، تزاید و بی‌نظمی در این قراردادها، نوعی وحدت شکلی و حقوقی، مخصوصاً با عنایت خاص دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به این قراردادها بر آنها حکم فرماست. این ویژگی به انضمام ناکارآمدی حقوق داخلی در رفع معضلات قراردادهای بین‌المللی، عدم امکان شناخت کافی نسبت به همه‌ی حقوق‌های سنتی کشورها، وجود قواعد آمره‌ی عدول‌ناپذیر در اکثر نظام‌های حقوقی داخلی، عدم وجود سیستم قضایی بین‌المللی اجباری، ناکارآمد بودن ضمانت اجراها و... زمینه را برای عزم جهانی در تدوین قواعد عمومی قراردادهای بین‌المللی و قواعد اختصاصی هر یک از قراردادها به صورت جداگانه، مشابه آنچه در حقوق داخلی جاری است، فراهم می‌آورد و قرارداد بای‌بک نیز به عنوان یک قرارداد بین‌المللی از این قاعده مستثنا نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مهم‌ترین هدف این پژوهش، اثبات مشروعیت قراردادهای بین‌المللی عموماً، و قرارداد بای‌بک خصوصاً و تعیین ماهیت فقهی و حقوقی این قرارداد بین‌المللی بود. درباره‌ی مشروعیت این قراردادها، با پاسخ‌گویی به شبهاتی مانند غرر و بیع دین به دین و اثبات صحت شرایط ضمن عقد، مشروعیت این قراردادها به اثبات رسید. خلاصه پاسخ به این شبهات این بود که در خصوص غرر، بهترین تفسیر که مستند به نظریه‌ی اهل لغت و فقها بود، تفسیر غرر به قبولِ خطرِ (ریسک) غیر عقلایی در معامله است که چنین مسئله‌ای در قراردادهای بین‌المللی منتفی است. شبهه بیع دین به دین نیز به معامله‌ی نسیه‌ای اطلاق می‌شود که خریدار در سررسید به دلیل عجز مالی، از پرداخت بدهی خود ناتوان بوده، آن دین را با دینی دیگر با مهلت بیشتر و مبلغ بالاتر معامله می‌نماید. قرارداد بای‌بک هر چند تعهد نسیه در مقابل نسیه است، ولی با توجه به تفسیر بیع دین به دین، قرارداد بای‌بک از این نوع بیع نیست.

درباره‌ی ماهیت حقوقی قرارداد بای‌بک، از بین عقود معین، عقد جعاله با توجه به اوصاف استثنایی‌اش، از قبیل «قبول ابهامات» و «قابلیت تعمیم وسیع»، قابلیت توجیه

قرارداد بای‌بک را دارد و حتی می‌توان قرارداد بای‌بک را به یک جماعه‌ی بین‌المللی تفسیر نمود وگرنه با ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی که انعکاس اصل آزادی قراردادی است و براساس آن، قراردادها، در صورتی که مخالف قانون و نظم عمومی نباشند نافذ و معتبر خواهند بود، قابل توجیه است.

در پایان، با توجه به ویژگی‌های خاص قراردادهای بین‌المللی، مانند «روبه تزايد بودن آنها هم‌زمان با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی»، «انقباض شکلی و حقوقی روابط تجاری بین‌المللی»، «تجربی بودن روش‌ها» و انعطاف‌پذیری این قراردادها، به این نتیجه می‌رسیم که ظرف محدود قراردادهای داخلی، ولو به انضمام تعارض قوانین، برای گنجاندن قراردادهای بین‌المللی کوچک است و باید در فکر پردازش قواعد عمومی و اختصاصی جداگانه‌ای برای قراردادهای بین‌المللی بود و در این راستا می‌توان حقوق داخلی را خشت اول این بنا در نظر گرفت و این مهم نیاز به یک عزم بین‌المللی دارد و در این خصوص قدم‌های اولیه‌ای نیز برداشته شده است که به طور نمونه می‌توان به تدوین قانون بیع بین‌المللی اشاره کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ

امامی، سیدحسن (۱۳۷۵)، شرح حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة.
انصاری، مرتضی (۱۳۷۵). مکاسب. تبریز: یک جلدی. چاپ سنگی.
اسکینی، ربیعا (۱۳۷۱)، مباحثی از حقوق تجارت بین الملل، تهران: نشر دانش امروز.
بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۱). حقوق مدنی. تهران: چ اول، رهام.
بازگیر، یدالله (۱۳۸۱)، عقود معین. اداره و صلح، تهران: چاپ اول، انتشارات فردوس.
بهرامی، شهریار (۱۳۷۸)، حقوق تجارت بین الملل، تئوری قرارداد حقوق تجارت بین الملل، تکثیر از دانشگاه شهید بهشتی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: چاپ اول.
حسن بیگی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، نفت، بای بک و منافع ملی، تهران: انتشارات آوای نور.
حائری شاه باغ، سیدعلی (۱۳۰۶)، شرح قانون مدنی، گنج دانش.
الحلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ تحریر الاحکام، چاپ سنگی، مشهد، مؤسسه آل البیت (ع).
_____ (۱۴۱۰). تذکرة الاحکام. قم: چ اول، انتشارات جامعه مدرسین.
_____ (۱۴۱۳). قواعد الاحکام. قم: چاپ اول، مؤسسه النشر الاسلامی.
التهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸م). نظریه العقد. ش ۱۹.
شهیدالثانی، زین الدین بن علی. مسالک الافهام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ سنگی. قم، بی تا.
طارم سری، مسعود (۱۳۷۰). مجموعه آشنایی با اصطلاحات بازرگانی و اقتصادی. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

عاملی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۵)، مفتاح الکرامة، بیروت.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). اثبات و دلیل اثبات، تهران: ج ۱، چاپ اول، نشر میزان.
_____ (۱۳۷۹). دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی. تهران: چاپ ششم، انتشارات مدرس.
محقق ثانی. جامع المقاصد.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۷)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱هـ)، الکافی، دارالتعارف، بیروت.
کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء، تهران: چاپ سنگی.
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۶)، مجمع الفائدة والبرهان، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
النجفی، الشیخ محمدحسن (۱۳۹۰). جواهر الکلام. تهران، المكتبة الاسلامية، ۱۳۷۴ ش.
نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل.

Francis, Dier (1987). *the Countertrade Hand book*. Cambridge Woodhuldfaulkner.

International Monetary fund, Annual Report, Washington D.C. Issn Press 1991.